

فلسفه، سال ۴۷، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸
(از ص ۸۷ تا ص ۱۰۵)



10.22059/jop.2020.290959.1006480
Print ISSN: 2008-1553 --Online ISSN: 2716-9748
<https://jop.ut.ac.ir>

Psychological hermeneutic of interpretation of Mulla Sadra's thoughts regarding the sleep issue and examining its philosophic foundations

Reyhaneh Shayesteh

PhD student in Transcendent Wisdom, Ferdowsi University of Mashhad

Mohammad Kathem Elmi Sola¹

Associate Professor, Department of Islamic Philosophy, Ferdowsi University of Mashhad

Seyed Morteza Hosseini Shahroodi

Professor of Islamic Philosophy and Wisdom, Ferdowsi University of Mashhad

Received: October, 18, 2019; Accepted: April, 5, 2020

Abstract

Dream has always been an attractive issue for the people in various eras and psychologists have investigated it a lot in the past. However, most of the issues relating to dreams such as its nature and the reality of prophetic dreams are still ambiguous. Mulla Sadra as a philosopher and also as a psychologist has relatively considered it in his scientific works. This study, after reviewing the literature and extracting the philosophic foundations of sleep and its psychological issues, has shown that given the Mulla Sadra's thoughts including principality of existence, gradation of existence, substantial motion, bodily origination, spiritual subsistence and consequently two-dimensionality of human as well as Mulla Sadra's belief in human authority, an appropriate structure is created for defining dream, types of dreams and source of dreams. It should be noted that though a number of Mulla Sadra's opinions regarding material dimension of human and considering one of the dimensions of human relatively corresponds to psychology, one can extract exact ideas and opinions regarding dreams and particularly prophetic dreams from the perspective of Mulla Sadra due to lack of existing immateriality in contemporary psychology.

Keywords: Mulla Sadra, sleep, dream, philosophy, cognitive psychology.

1. Email of Corresponding Author: elmi@um.ac.ir

تأویل روان‌شناسانه اندیشه ملاصدرا در مسئله خواب و بررسی مبانی فلسفی آن

ریحانه شایسته

دانشجوی دکتری حکمت متعالیه دانشگاه فردوسی مشهد

محمد کاظم علمی سولا

دانشیار گروه فلسفه اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

سید مرتضی حسینی شاهرودی

استاد گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۱۷

چکیده

مسئله رویا از جمله مسائل مورد توجه انسان‌ها در اعصار مختلف بوده است و روان‌شناسان نیز تا حد زیادی درباره آن به تحقیق و بررسی پرداخته‌اند؛ با این حال بسیاری از مسائل آن مانند ماهیت و حقیقت رویاهای صادق در پاره‌ای از ابهام به سر می‌برد. در این میان ملاصدرا در مقام یک فیلسوف و به مثابه یک روان‌شناس، این مساله را تا حدودی در کتب خود مطرح کرده است و این نوشتار پس از استخراج مبانی فلسفی مرتبط به خواب و مسائل روان‌شناسی آن، نشان داده است که با توجه به دستگاه فکری ملاصدرا مبتنی بر اصالت وجود، تشکیک وجود، حرکت جوهری، جسمانیة الحدوث و روحانیة البقا و به تبع آن دو بعدی بودن انسان و اعتقاد صدرا به اختیار، شالوده‌ای مناسب برای تعریف رویا، انواع رویا و منشأ رویا به وجود می‌آید. البته باید توجه کرد که گرچه برخی از نظرات ملاصدرا به دلیل توجه به بعد مادی (بدنی) انسان و در نظر گرفتن یکی از ابعاد وجودی وی تا حدودی با روان‌شناسی سازگار است، اما به علت فقدان جنبه تجردی در روان‌شناسی معاصر می‌توان نظرات خاص و دقیقی درباره انواع خواب و به خصوص رویاهای صادق از دیدگاه ملاصدرا استخراج کرد.

واژه‌های کلیدی: ملاصدرا، خواب، رویا، فلسفه، روان‌شناسی شناختی.

۱. مقدمه

مسئله خواب از ابتدای زندگی انسان مورد توجه بوده است و از جمله مسئله رازآلود زندگی انسان به شمار می‌رفته است. در فلسفه و به تبع آن در روان‌شناسی نظرات مختلفی درباره این پدیده و منشأ آن بیان شده و از دیرباز ذهن روان‌شناسان و فیلسوفان را به خود مشغول کرده است. این که عالم خواب چگونه عالمی است، ریشه خواب و رؤیا کجاست، آیا خواب و رؤیا می‌توانند فرایندی شناختی را ایجاد کنند و تا چه حد بررسی آن در زندگی شناختی انسان دارای اهمیت است، از جمله مسائلی است که

روان‌شناسی و فلسفه پایه‌پای هم در پی پاسخگویی به آن هستند، به همین جهت به‌عنوان یک مسئله شناختی می‌توان آن را در روان‌شناسی شناختی مطرح کرد. باید توجه کرد که تحقیق در ماهیت خواب و منشأ آن در پیچه‌های زیادی را به روی بشر می‌گشاید. به‌عنوان مثال برخی معتقدند رؤیاها در خود نوعی خردمندی برای حل مسئله دارند و انسان از این طریق می‌تواند از رؤیاها جهت برخورد مناسب با مشکلات استفاده کند. (جنت اس، ۱۳۹۱: ۱۰) همچنین رؤیا می‌تواند در تشخیص بیماری‌ها نقش داشته باشد. (کاپریز، ۱۳۶۳: ۵۹) و امروز روان‌کاوان به‌طور واضح اذعان می‌کنند که «خواب‌هایت را نقل کن تا مشکلاتت را شرح دهم». (همان: ۶۰) اندیشمندان یونان باستان اعتقاد داشتند هر چه را در خواب می‌بینیم در واقع به‌نوعی پاسخ مشکلات جسمانی ما محسوب می‌شود؛ (جنت اس، ۱۳۹۱: ۱۲) علاوه بر این‌ها خواب می‌تواند با عنوان مرور ذهنی در پیشبرد بسیاری از مسائل شناختی به ما کمک کند (همان: ۱۳). هم‌چنین هشدار برای تغییر باشد، تا جایی که حتی به‌نوعی نجات‌بخش محسوب شود، مثلاً اینکه هرگاه فرد با کابوسی روبرو می‌شود برای جدا شدن از محتوای آن کابوس می‌تواند دست به تدبیر بزند (همان: ۱۴). و سرانجام رؤیاها ممکن است باعث رخدادهای علمی و خلاقیت‌های ما در زندگی شوند (کاپریز، ۱۳۶۳: ۶۵؛ جنت اس، ۱۳۹۱: ۱۲).

اما این مسئله را می‌توان از چند منظر مورد بررسی قرار داد: منظر فیزیولوژیکی، منظر روان‌شناسی و منظر فلسفه روان‌شناسی. در این میان ملاصدرا گرچه به مسائل فیزیولوژیک و کارکردهای مغز درباره خواب نپرداخته و تقریباً از محدوده آراء و نظراتش خارج است؛ اما گاهی به‌عنوان یک فیلسوف، نظراتی مرتبط با فلسفه خواب و مبانی آن و گاهی هم به‌مثابه یک روان‌شناس، تحلیل‌هایی را در این باره ارائه کرده است و اگرچه حجم مطالب این مسئله در کتب وی کم است، اما با همین مقدار اندک هم می‌توان تا حدودی به تحلیل دیدگاه وی پرداخت و در نتیجه مسئله خواب و رؤیا را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی در چینش و تنظیم روان‌شناسی شناختی ملاصدرا به حساب آورد. نکته قابل توجه اینجاست که وی این مسئله را غالباً پیرامون مباحث معاد و نبوت مطرح کرده است؛ (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ۴۶۷؛ همو، ۱۳۷۸: ۱۴۸) و همین امر نشان می‌دهد که این مبحث برای ملاصدرا از مباحث بسیار مهم یا دست‌کم از زمینه‌ها و مقدمات مباحث بسیار مهم وی به شمار می‌رود.

علاوه بر این باید دانست که گرچه ملاصدرا به‌عنوان یک فیلسوف نظرات فلسفی نسبت به درک و بیان حقایق و هستی داشته است؛ اما نکات وی پیرامون مسائل خواب و رؤیا نشان‌دهنده دقت نظرات او در ارائه مدل‌های روان‌شناسانه است تا جایی که تا حدودی می‌توان این نظرات را با نظرات روان‌شناسان گذشته و حال مقایسه کرد. در نتیجه در بحث‌های مختلف، لازم است که تفاوت‌ها و شباهت‌های نظرات وی با روان‌شناسی نیز بررسی شود تا بتوان نشان داد که تا چه حد می‌توان از نظرات وی آرائی مرتبط به حوزه‌های روان‌شناسی استخراج کرد.

۲. معنانشناسی خواب

به‌طور کلی به اعتقاد ملاصدرا نفس گاهی از روی قصد و گاهی بدون قصد سعی در انفصال از جسمیت خود دارد که از نمونه‌های این انفصال می‌توان به مسئله خواب اشاره کرد؛ مثلاً وی یکی از دلایل تمایل به خواب را پرخوری می‌داند؛ زیرا به‌زعم وی در این حالت شخص به دلایل فیزیولوژیکی بدن را عقب می‌راند و سعی در انفصال از جسمیت خود را دارد (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ۴۶۷) و به همین دلیل خواب بر وی غلبه می‌کند. شاید به این دلیل است که ملاصدرا در تعریف خواب می‌گوید «خواب عبارت است از حبس شدن روح در باطن» (همان و همو، ۱۳۷۸: ۱۴۸) یعنی فاصله گرفتن روح از قوای ظاهری و میل آن به قوای باطنی.

وی خواب و مرگ را همراه و قرین هم می‌داند و خواب را برادر مرگ معرفی می‌کند. وی دلیل این مشابهت را ترک نفس از به‌کارگیری حواس معرفی می‌کند و تنها تفاوت این دو را در شدت و ضعف اتصال به ماده و حواس می‌داند به نحوی که در مرگ این اتصال کاملاً از بین رفته، اما در خواب اندکی از این اتصال باقی می‌ماند (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ۴۶۸). و در واقع بدن ضعیف می‌شود (همو، ۱۳۵۴: ۳۱۹) البته این سخن ملاصدرا را نباید با سخن مردمان عوام در زمان گذشته که امروزه علم آن را رد کرده است، (استوارت، ۱۳۹۲: ۱۶) یکی دانست؛ زیرا منظور مردم از بیان این جمله که «خواب برادر مرگ است» آن بوده است که مغز و همه اندام‌ها به جز سیستم‌های غیرارادی تنفس و ضربان قلب به‌طور کامل در حال استراحت است (همان) درحالی‌که با تأمل در سخن ملاصدرا که خواب را حبس شدن روح در باطن معرفی می‌کند می‌توان به عدم دخالت روح در حس و افعال ظاهری در هنگام خواب اشاره کرد نه از کار افتادن سیستم مغز و ...، چنان‌که علم نیز به سکون اندام‌های ظاهری بدن در حالت خواب اشاره دارد و علت چنین حالتی

را صدمه نزدن بدن به خود، در هنگام خواب فرض می‌کند و اعتقاد دارد که درواقع این نوع واکنش، ابزار محافظ نسبت به واکنش فیزیکی نسبت به رؤیا است (استوارت، ۱۳۹۲: ۲۶) گویی علم این نکته را پیش‌فرض گرفته است که مغز در حالت خواب می‌تواند ادراکاتی مشابه با عالم بیرون از خواب با ظاهری عینی و واقعی برای مغز تولید کند که در صورت نبود این سیستم محافظ ممکن بود به انسان صدماتی وارد شود. این مسئله را به بیان ملاصدرا می‌توان این‌گونه مطرح کرد که در هنگام خواب همه چیز در باطن انسان حبس می‌شود و اندام‌های بیرونی و حواس ظاهری نمی‌توانند به حالت متعارف خود عمل کنند. درواقع خواب ترک حواس ظاهری به سبب امری خارجی است که بر نفس عارض می‌شود، درحالی‌که هنوز استعداد به‌کارگیری حواس از بین نرفته است؛ مانند انسانی که فعلاً در خواب نمی‌بیند یا نویسنده که نمی‌نویسد (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۴: ۱۰۰). البته روان‌شناسی امروز ثابت کرده است که انسان در خواب هم به‌نوعی خاص با دنیای اطراف خود ارتباط برقرار می‌کند و این‌گونه نیست که مطلقاً در خواب ارتباطش با دنیای خارج قطع شده باشد (Nolen-Hoeksema, 2009: 205) اما دیدگاه این اندیشمندان تنها به جنبه‌های مادی خواب اشاره دارد.

باید توجه کرد که وقتی سخن از خواب مطرح می‌شود دو وجه را باید در نظر گرفت؛ وجه اول خوابیدن به‌عنوان یک فعل و وجه دوم رؤیا به‌عنوان اثر این فعل. اگرچه تأکید ملاصدرا در مباحثش بیشتر ناظر به قسمت دوم است اما وی تا حدودی هم به مسئله خوابیدن توجه کرده است؛ برای نمونه وی دلایلی را برای خوابیدن عنوان می‌کند که با برخی از قوی‌ترین نظرات درباره خواب در روان‌شناسی منطبق است؛ مثلاً وی به خستگی انسان اشاره می‌کند که بر اثر حرکت و فعالیت زیاد عارض بر بدن می‌شود و شخص را به سمت استراحت و فعل خوابیدن سوق می‌دهد. درواقع اکثر روان‌شناسان نیز به این امر اعتقاد دارند که خواب عامل حفاظت و تجدید نیرو است (Nolen-Hoeksema, 2009: 208؛ روخلین، ۱۳۶۸: ۱۱۲). علاوه بر این می‌گوید زمان‌هایی وجود دارد که روح قصد کمک به گرفتگی‌های مجاری درونی بدن دارد (ملاصدرا، ۱۳۷۸: ۱۱۵) در نتیجه خوابیدن را برای بدن تجویز می‌کند. این گفته ملاصدرا را به انحاء مختلف می‌توان در علم بررسی کرد؛ مثلاً روان‌شناسان معتقدند که خواب می‌تواند با تقویت بدن و مجاری درونی آسیب‌پذیری انسان را در مقابل بسیاری از بیماری‌های جسمانی کاهش دهد. (نولن، ۱۳۹۰: ۴۱۲) علاوه بر این ملاصدرا عدم حمایت کافی روح در متوازن نگه داشتن

ظاهر و باطن را از جمله دلایل خوابیدن می‌داند و از آنجا که ملاصدرا جست‌وجو در منشأ این سبب را متعلق به پزشکان و کتاب‌های پزشکی می‌داند لاجرم این دلیل احتمالاً به دلایل فیزیولوژیکی خواب اشاره دارد (ملاصدرا، ۱۳۷۸: ۱۱۵) مثلاً علم پزشکی برای انسان یک ساعت بیولوژیکی در نظر می‌گیرد که این ساعت تحت تأثیر نور قرار دارد بنابراین عدم نور پیامی را به ساعت فیزیولوژیکی صادر می‌کند و در این هنگام بدن هورمونی را ترشح می‌کند که باعث خواب‌آلودگی انسان می‌شود (Nolen- 2009, 207, Hoeksema). و یا شاید ملاصدرا به نوعی به هدف مصرف داروهای خواب‌آور در عصر امروز اشاره دارد، درحالی‌که ضرورتاً شخص دچار کمبود خواب یا بی‌خوابی نشده است بلکه درواقع زمانی افراد این دارو را مصرف می‌کنند که نمی‌توانند ظاهر و باطن را به نحو کافی حمایت کنند (اوزوالد، ۱۳۶۳: ۲۳۵). درواقع داروهای خواب‌آور جزئی از گروه کلی‌تر داروهای آرام‌بخش خواب‌آور محسوب می‌شوند؛ (معنوی، ۱۳۶۷: ۷۰) هم‌چنین از آنجا که ملاصدرا یکی از دلایل خواب را ناشی از خستگی که بر روح عارض شده است، ذکر می‌کند (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۴: ۱۰۴) بنابراین می‌توان این مسئله را به‌عنوان دلیل جداگانه ذکر نکرد و آن را به عدم ناتوانی روح در حمایت کافی برای کنترل ظاهر و باطن مرتبط ساخت.

بر اساس آنچه گفته شد از نظر ملاصدرا خوابیدن یک فرد فقط مرتبط به جسم یا فقط مرتبط به روح نیست بلکه هر دو جنبه را شامل می‌شود.

۳. شناخت‌شناسی خواب‌ها و رؤیایها

با تأمل در آثار ملاصدرا به‌طور کلی می‌توان خواب‌ها را به دو دسته خواب‌های بی‌نیاز از تفسیر و نیازمند به تفسیر تقسیم کرد. دسته اول خواب‌هایی هستند که ضرورتاً مطابق با واقع (صادق) هستند و دسته دوم را می‌توان به دو دسته مطابق با واقع و غیر مطابق با واقع یا فاقد وجود عینی تقسیم کرد (رک المبدأ و المعاد، المظاهر الالهیه فی اسرار العلوم الکمالیه ، تفسیر القرآن الکریم ج ۴).

باید دقت کرد که مراد از مطابق با واقع در این تقسیم داشتن اصل و چیزی منطبق بر عالم خارج است و غیر مطابق با واقع هم به معنای خواب‌های بی‌اصل یعنی خواب‌هایی که انطباق با خارج ندارند، می‌باشد (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ۴۷۱؛ همو، ۱۳۷۸: ۱۵۰). بنابراین دریافت پیام و تعبیر این خواب‌ها چنانچه به آن اشاره خواهد شد هیچ تناقضی با این سخن که این خواب‌ها حکایت‌گری از عالم خارج ندارند، نیست.

در این تقسیم قوت نفس انسان تعیین کننده نوع خوابی است که می بیند؛ (همان) بر این اساس هر چه نفس قوی تر باشد میزان مطابقت و گزارش دهی خواب نسبت به عالم واقع واضح تر، دقیق تر و صریح تر است و در نتیجه خواب‌های دسته اول شکل می گیرد؛ اما خواب‌های دسته دوم که نیاز به تفسیر دارند یا مطابق با واقع هستند؛ ولی از جهتی که از وضوح و روشنی برخوردار نیستند و حالت تمثیل دارند، باید آن‌ها را تفسیر کرد. یا خواب‌هایی غیر مطابق با واقع هستند که این خواب‌ها با این که نیاز به تفسیر دارند، اما تفسیر این خواب‌ها از جنس دریافت پیام‌های روحی و جسمی است نه تفسیر بر مبنای مطابقت با عالم خارج؛ یعنی این خواب‌ها گزارش‌های از احوالات درونی و حالات جسمانی فرد هستند و گرچه از نظر مطابقت با واقع حرفی برای گفتن ندارند و ملاصدرا آن را کاذب، بی معنا یا بی اصل و به اصطلاح جزاف می داند؛ (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ۴۷۱) اما این بی اصل خواندن به معنای بی ریشه بودن نیست به این دلیل که وی مانند بسیاری از روان‌شناسان معتقد است که این خواب‌ها حمل کننده گزارش‌هایی حقیقی از درون فرد هستند (همان) در نتیجه می توانند از این جهت صادق و بامعنا باشند.

بر این اساس می توان گفت همه خواب‌ها به نوعی صادق هستند؛ زیرا برخی از آن‌ها مطابق واقع هستند و در نتیجه صادق اند و برخی با عالم درون، روحيات و ویژگی‌های بدنی منطبق هستند که می توان آن‌ها را بررسی و تفسیر و ریشه‌یابی کرد و از این طریق فرایندهای شناختی را گسترش داد و نسبت به دریافت‌های انسان دقیق تر شد تا راه‌حل‌های بهتری برای زندگی وی پیدا شود.

۴. علل تحقق انواع خواب

ملاصدرا دو عامل را برای جداسازی خواب‌ها از یکدیگر بیان می کند؛ اول قوت و قدرت نفس و دوم دخالت و عدم دخالت قوه متخلیه (همو، ۱۳۷۸: ۱۴۹). بر این اساس هر چه فرد قدرت نفس بیشتری داشته دارد و بر بدن خود تسلط بیشتری داشته باشد خواب‌ها از شفافیت و صدق بیشتری برخوردارند و برعکس؛ پس خواب‌های صادق نیاز به تفسیر ندارند زیرا قوای متخلیه به هیچ وجه در رویت این خواب‌ها دخالت نمی کند و در نتیجه هیچ دخل و تصرفی اتفاق نمی افتد (همو، ۱۳۵۴: ۴۶۸) تا نیاز به تفسیر داشته باشند؛ این نوع خواب‌ها از نظر ملاصدرا منطبق بر مبادی عالییه یا حاکی از آن می باشند (همان: ۴۷۴) بر اساس همین قوت نفس است که ملاصدرا خواب پیامبران را بسیار متفاوت از خواب

بقیه مردم می‌داند و به حدیثی از پیامبر در این باره استناد می‌کند که چشمم می‌خوابد اما قلبم را خواب فرامی‌گیرد (همو، ۱۹۸۱، ج ۷: ۲۸).

البته ملاصدرا تأکید می‌کند که در این نوع خواب‌ها نیز فرد دریافت‌هایی از جنس اهداف و مسائل مهم زندگی‌اش خواهد داشت (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ۴۶۷-۸). همچنان روان‌شناسان نیز بر این نکته تأکید می‌کنند که رؤیاهای انعکاس مناظر بسیار متفاوت و متغیری از شخصیت انسانی، تجربه وی در زندگی، خواسته‌ها و تمایلات و فعالیت‌های روزانه وی هستند (روخلین، ۱۳۶۸: ۸۰). و جالب این است که ملاصدرا درباره خواب‌های صادق یعنی خواب‌های مطابق با واقع و بدون دخالت قوای متخیله نیز این نکته را عنوان می‌کند یعنی در عالی‌ترین نوع خواب‌ها هم انسان نمی‌تواند از ویژگی‌های فردی و اهداف و نگرش خود دور باشد.

از نظر وی این خواب‌ها متعلق به انسان‌هایی است که کمتر به حواس خود مشغول هستند و از آنجاکه غالب انسان‌ها همیشه به تفکر درباره آنچه حواس به آن‌ها وارد کرده، هستند، نمی‌توانند به این‌گونه خواب‌ها دست پیدا کنند، مگر آن‌که فرصت فراغ پیدا کنند و موانع مرتبط به حواس برطرف شود و مستعد اتصال به عالمی مافوق زمان و مکان یعنی مافوق جسم و جسمانیت را پیدا کنند (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ۴۶۷).

اما روان‌شناسان هم از این نوع خواب‌ها با عنوان رؤیاهای پیش‌آگاهی‌دهنده یاد می‌کنند. این رؤیاهای، رؤیاهایی هستند که درباره وقایع آینده خبر می‌دهد و ممکن است به شکل گزارش از همه رخداد یا قسمتی از رخداد باشند (جنت اس، ۱۳۹۱: ۲۰). گرچه این نوع خواب‌ها در واقع به نوعی رؤیاهای صادق محسوب می‌شوند، اما از آنجاکه روان‌شناسی علمی کمتر به بعد تجرد انسان توجه کرده است، نمی‌تواند درباره وقوع چنین خواب‌هایی سخن زیادی بگوید و نهایت تفسیر مثبت و مورد توجهی که از این نوع خواب‌ها ارائه می‌دهند، این است که به علت داشتن اطلاعات غنی از یک موضوع، مغز در هنگام خواب پیش‌بینی‌هایی را نسبت به آن موضوع انجام می‌دهد که می‌تواند با واقعیت آن در آینده سازگار شود (روخلین، ۱۳۶۸: ۱۰۰). البته گرچه این مسئله بعید به نظر نمی‌رسد، اما نمی‌تواند همه انواع خواب‌های صادق مانند وحی و الهام که محتوایی خارج از رویدادها و معانی قابل تفکر دارند را در برگیرد. با این حال سخن ملاصدرا را با تفسیر خاصی می‌تواند با این نظر منطبق کرد، زیرا گریز از امور دست‌وپاگیر و اتصال به عالم ملکوت و به دست آوردن غنای معنوی در واقع منبع غنی برای دریافت اطلاعات

است و به واسطه آن رؤیاهای صادق شکل می‌گیرد (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ۴۶۷) پس در این حالت نیز گویی مغز نسبت به موضوعی اطلاعات کافی دارد، بنابراین چنین خواب‌هایی را رؤیت می‌کند، با این تفاوت که در نظر ملاصدرا دیگر مسئله به پیش‌بینی محدود نیست، بلکه حقیقت واقع نزد فرد حاضر می‌شود.

اما دسته دوم خواب‌های صادقی هستند که نیاز به تفسیر دارند و گرچه از نظر قوت نفس بالاتر از خواب‌های بی‌معنا به حساب می‌آیند، اما پایین‌تر از خواب‌های صادق بدون تفسیر هستند. این خواب‌ها مانند خواب‌های بی‌معنا از تخیل ناشی می‌شوند.

خواب‌های دسته سوم نیز خواب‌هایی هستند که نه تنها بر اثر دخالت قوه متخیله به وجود آمده‌اند، بلکه خواب بیننده از جهت قوت و قدرت نفس در مرتبه پایین‌تری قرار دارد، زیرا به‌زعم ملاصدرا افرادی که این خواب‌ها را می‌بینند غالباً دارای مشکلات بدنی یا روحی متصل به بدن هستند؛ (همان: ۴۶۹) بنابراین وی نیز مانند نظر بسیاری از روان‌شناسان این ویژگی‌ها را به ویژگی‌های تنی انسان مرتبط می‌کند و اعتقاد دارد انسان به سبب آن که نتوانسته است، نفس یا روان و به عبارتی جوهر وجودی خود را قوی کند و در نتیجه دائماً از آثار قوای خود منفعل شده و نتوانسته توانایی کسب معنویت لازم را که از شرایط هوش معنوی در روان‌شناسی به حساب می‌آید (رک شایسته، هوش معنوی، مؤلفه‌ها و مبانی آن در حکمت متعالیه، ۱۳۹۶) و بالاترین سطح سازگاری و در نتیجه سلامت روانی محسوب می‌شود در خود تقویت کند، ویژگی‌های اتصال به جواهر روحانی برای وی میسر نشده است (ملاصدرا، ۱۳۷۸: ۱۵۰) و خواب‌هایی می‌بیند که نشان‌دهنده عدم سلامت کامل مادی اوست و در واقع باقیمانده‌های آن چیزی است که انسان در عالم خارج به هر نحوی از آن منفعل شده است.

اما درباره قوه خیال در خواب چند نکته قابل توجه است؛ اول این که ادراک خیالی در خواب و بیداری تفاوت اساسی با هم دارند، از نظر ملاصدرا صورت‌هایی که انسان در خواب می‌بیند منشأ اثر نیستند، زیرا در خواب نفس و روان انسان هنوز متصل به بدن است و مشغول به بدن و در پی امور مادی است، در نتیجه این صورت‌های خیالی نمی‌تواند هیچ اثری تولید کند؛ درحالی که همین قوه خیال در بالاترین درجه خود در بیداری می‌تواند منشأ اثر باشد و به شدیدترین مرتبه وجودی خود برسد؛ (همو، ۱۴۲۰: ۳۷) دوم این که گرچه این خواب‌ها منشأ اثر نیستند، اما از نظر وی دارای وضوح و روشنی هستند. در واقع یعنی قابل تفسیر و درک برای انسان هستند و می‌توان از آن

نتایج اصیلی گرفت و سوم این که آنچه در خواب توسط قوه خیال ظاهر می‌شود، مزاحم هیچ‌یک از هستی‌های این جهان نیست (اعوانی، ۱۳۸۳: ۴۲۸-۴۲۹).

و مطلب آخر این که از آنجایی که انسان فقط کافی است یک‌بار چیزی را احساس کند و از آن به بعد می‌تواند صورت‌هایی را بدون ماده خارجی انشاء کند و دخل و تصرف در آن ایجاد کند؛ بنابراین با استفاده از قوه تخیل در خواب می‌تواند صورت‌هایی مطابق را احضار کرده یا دست به تصرف زده و چیز جدیدی را ایجاد کند (ملاصدرا، ۱۴۱۷: ۱۹۴).

۵. منابع و منشأ خواب

از نظر ملاصدرا در هنگام خواب ادراکات خیالی، وهمی و عقلی در انسان باقی می‌ماند (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۴: ۱۰۰) و تنها چیزی که رخ می‌دهد جدا شدن از ادراکات حسی به صورت متداول است. بر این اساس چنان که خود صدرا اشاره می‌کند، خواب‌هایی که انسان می‌بیند متناسب با ادراکاتی است که بیشترین سیطره را بر وجود انسان دارد (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ۴۶۸).

در روان‌شناسی منشأ و منبع خواب دیدن بسیار مهم است؛ زیرا از این طریق است که می‌توان به افراد در حفظ سلامت روانی یا حل معضلات روانی کمک کرد به این جهت محققان غالباً منابعی را برای رؤیا ذکر می‌کنند. جالب اینجاست که در یک تقسیم‌بندی کلی منشأ رؤیاها چیزهایی معرفی می‌شوند که ملاصدرا تحت خواب‌هایی که در پوشش و دخالت قوای متخلیه است، آن‌ها را بیان می‌کند. برخی روان‌شناسان سرچشمه خواب‌ها را از تن یا روان می‌دانند، اما همین که می‌خواهند یکی از این دو قسم را بر دیگری ترجیح دهند میانشان اختلاف می‌افتد؛ اما در نهایت چهار منبع را از این دو استخراج می‌کنند که عبارت است از تحریکات حسی خارجی، تحریکات داخلی اندام‌های حسی، تحریکات داخلی بدن، تحریکات مطلقاً روانی (فروید، بی تا: ۳۱).

نکته جالب توجه این است که ملاصدرا این نوع خواب‌ها را تقریباً به همین منابع منتهی می‌کند و آن را دارای سه منشأ و منبع می‌داند (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ۴۷۴). البته نباید این نکته را از خاطر دور کرد که این‌ها منابع خواب‌های دسته دوم هستند یعنی خواب‌هایی که با دخالت قوه متخلیه رخ می‌دهد و از آنجا که انسان در بیشتر موارد مشغول تفکر درباره آن چیزی است که حواس بر وی وارد کرده است (همان: ۴۶۸) در نتیجه اکثر خواب‌ها ماهیتی مشابه به خواب‌های فوق‌الذکر دارند.

اما منشأ این خواب‌ها عبارت‌اند از:

۱. آشفتگی‌های روحی انسان: قوای متخلیه که حکم قوای محرکه را در به وجود آمدن این خواب‌ها دارد به سبب شیطننت و اضطرابی که غالباً همراه انسان است و از وی دور نمی‌شود، دست به اختراع صوری می‌زند که ظاهراً در وی وجود ندارد، فرد این صور را در خواب تولید کرده و در حافظه نگهداری می‌کند (همان: ۴۷۶).

در این مدل از خواب شی متخیل شده، هیچ منشأ حقیقی در عالم خارج ندارد اما درواقع میوه و ثمره حقایقی است که در بیداری برای انسان به وجود آمده است یعنی انسانی که نفس ضعیفی داشته باشد و از اثرهای قوای مادی منفعل شود، قوای متخلیه‌اش دچار آشفتگی می‌شود و در نتیجه چنین خواب‌هایی را تولید می‌کند (همو، ۱۴۱۷، ج ۲: ۸۰۴) این همان نظریه‌ای است که روان‌شناسی امروز درباره برخی از خواب‌ها بیان می‌کند؛ خواب‌هایی که محصول کمبودها و مشکلات روانی انسان‌ها هستند و یا کامل‌کننده نیازهای ضمیر خودآگاه یا ناخودآگاه انسان به حساب می‌آیند (سامی، ۱۳۶۲: ۱۴۱-۱۴۵).

۲. صورت‌های ذخیره شده در بیداری: به اعتقاد وی انسان آن جزئیاتی را که در زندگی روزمره حس کرده و آن را به خیال خود منتقل کرده است در هنگام خواب دوباره از خیال به حس مشترک منتقل کرده و آن را مشاهده می‌کند (همو، ۱۴۱۷، ج ۲: ۸۰۵).

۳. صورتی مثالی مناسب با طبع انسان: قوای متخلیه برحسب طبع خود آنچه را که نفس دیده به نماد یا مثالی مناسب تبدیل می‌کند مانند تبدیل علم به شیر یا دشمن به مار و ... (همو، ۱۳۶۳: ۲۱۲؛ همو، ۱۳۷۸: ۱۵۰؛ همو، ۱۴۱۷، ج ۲: ۸۰۴) درواقع گویی در منشأ این نوع خواب باید به دنبال حقیقتی متمائل به خوابی که دیده شده، بود. درواقع می‌توان این خواب‌ها را رؤیاهای سمبولیسم نامید.

البته باید توجه کرد که این بدل ضرورتاً از جنس و مشابه صورت مورد تعبیر یا منشأ به وجود آمدن خواب نیست بلکه گاهی با ضد آن صورت مثالی می‌پذیرد. (همو، ۱۳۵۴: ۴۶۹) برخی از روان‌شناسان نیز اعتقاد دارند که در حالت رؤیا صورت‌هایی متضاد یا مشابه یا متناقض و متلازم با صورت‌هایی است که در بیداری وجود دارند که از راه تداعی معانی در ذهن حاضر می‌شوند (رضوانطلب، ۱۳۷۹: ۱۴۶؛ روخلین، ۱۳۶۸: ۹۳).

۴. مشکلات جسمانی و اسباب بدنی انسان: قوای متخلیه بر اساس اینکه انسان مریض است و دچار ضعف جسمانی است یا بدن انسان در چه شرایط مزاجی قرار دارد،

(ملاصدرا، ۱۴۱۷، ج ۲: ۸۰۵) منطبق با آن صوری را می‌سازد که تعبیر آن به نحوی به اوضاع و احوال بدنی شخص مرتبط است. مثلاً اگر گرمی بر مزاجی غلبه داشته باشد متخلیه آن را با آتش و حمام و گرما نشان می‌دهد (همو، ۱۳۷۸: ۱۵۱). بر این اساس انسان در این شرایط شاید نتواند درک درستی از خواب خود داشته باشد، به همین دلیل گاهی خواب‌ها را بی‌معنا و بدون منشأ تلقی می‌کند و گاهی تعبیر غلط یا همراه با حدسی به آن تحمیل می‌کند (همو، ۱۳۵۴: ۴۶۹).

روان‌شناسان نیز این نوع خواب‌ها را با این تبیین بیان می‌کنند که تحریکاتی که از بدن شخص خوابیده فرامی‌رسد، در اعضا او ممکن است به منابع تحریکی دیگر مبدل شود که ممکن است به دلایل مختلف به وجود آمده باشد، مثلاً اگر شخص به علتی فعالیت قلبی‌اش دچار مشکل شده باشد ممکن است در خواب، صحنه‌های وحشتناکی همراه با غصه و احساس مرگ را تجربه کند، یا اگر ناراحتی مرتبط به دستگاه تنفس داشته باشد، ممکن است در خواب مشاهده کند که شخصی او را خفه می‌کند یا گلویش را فشار می‌دهد یا در آب غرق می‌شود (روخلین، ۱۳۶۸: ۸۰). به‌راستی که این خواب‌ها به‌مثابه زنگ خطری برای انسان محسوب می‌شود. درواقع رؤیا نوعی سیستم کنترل شناخت ناخودآگاه است که اطلاعات را در وضعیت فیزیولوژیکی درونی بدن ما ثبت می‌کند و در هنگام خواب، خود را نمایان می‌سازد (جنت‌اس، ۱۳۹۱: ۱۰).

این‌گونه تفاسیر ملاصدرا از خواب نشان می‌دهد که او به ضمیر ناخودآگاه و آشفتگی‌های رؤیا اعتقاد داشته است و به‌مثابه یک روان‌شناس به مسئله خواب توجه کرده است و با عنایت به همین مفاهیم و نظرات در فلسفه ملاصدرا می‌توان از هر خوابی برای پیشبرد اهداف روانی و جسمانی، انسان سود برد. وی خواب را به‌نوعی آگاهی‌دهنده از غیبات و احوال می‌داند (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ۳۱۹). اما نظرات وی در این حوزه منشعب از ساختارها و مبانی فلسفی وی در این زمینه است. این مبانی گرچه ظاهراً باید در ابتدای بحث بیان شود اما از آنجا که شناخت نظرات وی درباره خواب به ارتباط آن با مبانی کمک می‌کند در قسمت دوم نوشتار درباره این مبانی بحث می‌شود.

۶. مبانی فلسفی اندیشه ملاصدرا درباره مسئله خواب

اولین مسئله فلسفی وی نگاه دو بعدی وی به انسان است یعنی انسان در بعد مادی خلاصه نشده است. به‌طور مثال به اعتقاد ملاصدرا شرط معنی احساس، انفعالی نیست که برای آلت حسی به وجود می‌آید بلکه اگر احضار صورت جزئی برای قوه حساس

بدون انفعالی که برای آلت حس واقع می‌شود، تحقق و ثبوت پیدا کند، احساس حاصل می‌شود؛ چنانچه در حس مشترک حضور صورت محسوس چه در خواب و چه در بیداری واقع می‌شود؛ بنابراین حقیقت احساس عبارت است از حضور صورت جزئی نه اثرپذیری آلت از آن و نه انطباق و نقش صورت در آن (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۸: ۲۰) بنابراین از نظر ملاصدرا مطلق شنیدن نیازی به آلت مخصوصش ندارد و به این سبب است که زمانی که انسان در خواب صدای مهیبی را می‌شود تأثیر آن صدا کمتر از صدایی که در خارج شخص را از خود منفعل می‌کند، نیست (همان، ج ۶: ۴۲۶). پس در واقع چون فاعل حقیقی هر رویدادی در درون انسان است، این نفس است که در ذات خودش شنوایی، بویایی، بینایی و ... را دارد و به همین دلیل در هنگام خواب و بیدار شدن حواس هم به فعالیت خود ادامه می‌دهد (همان، ج ۸: ۱۲۲) و به همین خاطر است که ملاصدرا می‌گوید میان اعضاء انسان در بیداری و اعضای وی در خواب در دخل و تصرف هیچ تفاوتی وجود ندارد (همو، ۱۳۵۴: ۳۸۴) و آلت‌های طبیعی در واقع تنها مسیری برای ارتباط ما یعنی ابزار تأثیر و تأثر ما با عالم مادی هستند (مصلح، ۱۳۵۶، ج ۳: ۸).

تعبیر مادی‌گرایانه سخن روان‌شناسان در این موضوع این است که آن‌ها اذعان می‌کنند که در هنگام خواب مغز به خواب نمی‌رود، بلکه نحوه فعالیتش تغییر می‌کند (Nolen-Hoeksema, 2009, 208). شاید اشتباه کسانی که فقط به ابعاد مادی توجه می‌کنند همین است که تمام امور را در مغز می‌بینند اما باین حال ملاصدرا هم از تغییر نحوه فعالیت خواب در هنگام خوابیدن سخن می‌گوید بنابراین از نظر وی زمانی که انسان بیدار است برای ارتباط با خارج از ابزارهای بیرونی استفاده می‌کند، اما هنگامی که در خواب است تنها از جنس بعد تجردی خود به مشاهده و تفهم می‌پردازد.

اما مطلب دیگر درباره دوبعدی بودن انسان این است که به اعتبار این نوع نگرش می‌توان از تمام اقسام خواب‌ها سخن گفته و از آن دفاع کرد؛ اما روان‌شناسی امروز به جهت غلبه گرایش فیزیولوژیکی و ادراک تجربی، گرچه نمی‌تواند خواب‌های صادق را انکار کند، ولی نمی‌تواند تفسیر مناسبی از این خواب‌ها هم ارائه دهد چون عملاً روشی برای تحقیق در رؤیای صادق ندارد.

ملاصدرا با توجه به اعتقاد به عالمی غیر عالم ماده و توانایی بررسی و تحقیق در معقولات و حقایقی که منشأ آن از تجربه خارج است. انسان دوبعدی را از جهتی که متصل به عالم ماده و عالم شهادت است و به آن کشش دارد، بیننده خواب‌های می‌داند

که مظهر تمثیل و تصویر هستند و از جهتی که متصل به عالم مجردات و ملکوت است و با آن قرابت دارد مدخل الهام و رؤیای صادقه و وحی می‌داند. (همو، ۱۳۵۴: ۴۷۰؛ همو، ۱۳۷۸: ۱۵۲) در واقع گویی در رؤیای صادقه شیء حقیقتاً نزد خواب بیننده حاضر است و شخص به آن علم حضوری دارد.

پس ملاصدرا با این نگاه دوبعدی از یک طرف بحث‌های خود را به سمتی پیش می‌برد که اساساً مسئله خوابیدن را به ابعاد جسمانی و زندگی مادی انسان مرتبط می‌سازد و ذیل تفسیر آیه «لاتاخذنه سنه و لالانوم» خدا را به دلیل نداشتن ماده و ویژگی‌های مادی منزله از خواب و خواب دیدن می‌بیند (رک ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۴: ۱۰۳-۹۸) و از طرف دیگر نظرات وی درباره خواب ابعاد متافیزیکی را هم در برمی‌گیرد و مانند برخی از روان‌شناسان که نمی‌توانند بعضی از اقسام خواب را توجیه کنند و لاجرم یا درباره آن سکوت می‌کنند یا باید آن را انکار کنند، نیست، چنانچه برخی از افراد در علم روان‌شناسی اظهار می‌کنند که هرگونه تطابق بین رویدادی که در خواب محقق شده است و رویدادی که بعداً واقعیت پیدا می‌کند صرفاً شانس و اتفاق است (نولن، ۱۳۹۰: ۴۲۳). گرچه برخی روان‌شناسان دیگر در بررسی‌های خود درباره تعداد گزارش چنین خواب‌هایی، وقوع این نوع خواب‌ها را از دایره شانس و اتفاق خارج می‌کنند، اما باز هم نمی‌توانند توجیه مناسبی برای آن پیدا کنند (سامی، ۱۳۶۲: ۱۲۸).

در این موضع است که روان‌شناسی در حوزه تجربی باید حوزه فلسفی خود را تعدیل کند و به بررسی بعضی از مواضع از منظر متافیزیکی و جنبه تجردی انسان بپردازد تا بتواند در همه ابعاد سلامت انسان را فراهم کند و آرامش را برای او به ارمغان بیاورد. در غیر این صورت نمی‌تواند شایستگی خود را به‌عنوان حوزه‌ای برای کسب سلامت روان نشان دهد و عملاً با روان‌پزشکی تفاوتی نخواهد داشت و در نگرش خود نسبت به شناخت انسان با تئوری‌ها و نظریات ناقص مواجه خواهد بود.

دومین مسئله نگاه ملاصدرا به انسان به‌عنوان موجودی است که در ابتدای تکون خود جسمانی است، اما استعداد شکوفایی امری مجرد را در درون خود دارد. به همین مناسبت انسان را جسمانیة الحدوث و روحانیة البقا می‌داند. وی با این نظر به‌راحتی منشأ حقیقی اقسام مختلف خواب را می‌تواند تبیین کند. در واقع این‌که چرا عده‌ای به رؤیاهای صادق بدون تفسیر دست پیدا می‌کنند و عده‌ای رؤیاهای صادق با تفسیر؛ عده‌ای رؤیاهایی را مشاهده می‌کنند که تفسیری جز خبردهی از عالم مادی آن هم از

نوع خبر دادن از ویژگی‌های جسمانی و روحانی شخص ندارد، همه به این امر مرتبط است که چه میزان از روحانیت در فرد شکوفا شده است و شخص تا چه اندازه توانسته است، هوش معنوی خود را به کار گیرد و منطبق با آن به بهترین شکل به سازگاری با عالم هستی دست پیدا کند.

در بررسی‌های روان‌شناسان شواهدی وجود دارد که ثابت می‌کند کودکان کمتر از افراد بالغ خواب می‌بینند (Nolen-Hoeksema, 2009, 210). و این نکته می‌تواند تا حدودی با این بینش فلسفی قابل توجیه باشد.

سومین نکته بحث اصالت وجود و مساوقت آن با کمالات است که نشان می‌دهد انسان حتی در خواب هم از خودش غافل نیست (ملاصدرا، ۱۴۱۷، ج ۱: ۲۱۱) علاوه بر این که نشان می‌دهد وجود به هر شکلی که باشد منشأ اثر است و همه اتفاقات مادی و معنوی انسان با هر سطحی بازخوردی متناسب با آن سطح، در خواب‌ها و رؤیاهای فرد دارد در واقع بسیاری از خواب‌ها که تصور می‌شود، تفسیری ندارند دارای تفسیر هستند و منشأ آن‌ها در زندگی انسان قابل جستجو است، منتها شاید در برخی از موارد تشخیص آن به انسان خبره نیازمند است و قابل دریافت برای خود شخص نیست.

علاوه بر این که اثرات انواع رؤیا می‌تواند مدت‌ها بعد از بیداری همراه انسان بماند و بر زندگی او تأثیر بگذارد (همان: ۳۲۵). این مطلب به این معناست که تمام ابعاد زندگی انسان بر وی تأثیر می‌گذارد؛ چون در همه این ابعاد انسان وجود و ظهور دارد و به این ترتیب منشأ اثر است و حتی خواب‌ها که به نظر می‌رسد، انسان در آن فعالیتی ندارد یا دست کم فعالیتش کم شده است.

از آنجا که وی در وجود به تشکیک قائل است هم خواب دیدن را دارای سطوح مختلف می‌داند و هم سطوح بالای خواب دیدن را غیرقابل دسترس نمی‌داند، لکن به میزان عدم سرگرم شدن به حس، تهذیب نفس و عقل ورزی در زندگی، این نوع دریافت‌ها را برای فرد میسر می‌داند (ملاصدرا، ۱۳۷۸: ۱۵۱). بنابراین در واقع ضعف حواس آغاز رؤیای بدون تخیل است.

ممکن است عدم مشغولیت به حواس یک عبارت بدون تفسیر برای مردم باشد اینکه انسان چگونه می‌تواند به حواس خود مشغول نباشد یا به آن بی‌اعتنا باشد تا شرایط ارتقا برای او فراهم شود؛ زیرا عموماً حواس راه ارتباطی با دنیای مادی است.

توضیح این که احتمالاً مقصود ملاصدرا از عدم اشتغال به حس، اصالت ندادن به آن و توجه تبعی به آن و هم‌چنین کنترل ویژگی‌های مادی انسان است به این معنا که به علت برتری و کارآمدی بعد مجرد، انسان باید به‌گونه‌ای زندگی کند که ابعاد مادی وی تحت کنترل قرار بگیرد. این مسئله‌ای است که در دنیای امروز روان‌شناسی هم مطرح است ولی هدف از کنترل جسم و ابعاد جسمانی تنها برآورده شدن نیازهای جسمانی انسان قلمداد می‌شود؛ بنابراین گویی در نهاد روان‌شناسان به‌عنوان یک انسان مانند ملاصدرا طرح‌واره‌ای از کنترل حس و نیازهای حسی وجود دارد، اما هدف محدودتری را برای آن در نظر می‌گیرند. در حقیقت آن‌ها برای دست یافتن به آرامش و کنترل فرایندهای فیزیولوژیکی راهکارهای با عنوان مدیتیشن (meditation) و یوگا ارائه می‌دهند، غافل از اینکه این راهکارها در واقع رسیدن انسان به خودکنترلی و تسلط بر خود، در دنیای مادی است؛ مثلاً در مدیتیشن فرد تمرین‌هایی خاصی مانند کنترل و تنظیم تنفس، از بین بردن محرک‌های بیرونی و ... انجام می‌دهد که به سبب آن به حالتی از هوشیاری لذت‌بخش دست پیدا می‌کند (Nolen-Hoeksema, 2009: 213). از نظر روان‌شناسان مدیتیشن اگر به‌طور مرتب انجام شود می‌تواند به بهداشت روانی فرد کمک کند و مهارت‌های روان‌شناختی را گسترش دهد (همان).

مطلب دیگری که در علم روان‌شناسی نشان می‌دهد فراغت از حس، دریچه‌های متفاوتی را به روی انسان می‌گشاید مسئله محرومیت حسی (sensory deprivation) به معنای کاهش عمده در مقدار یا تنوع محرک‌های حسی است که گاهی با کنترل روان‌شناسان انجام می‌شود. از آنجا که محرومیت حسی فرایندهای عادی و همیشگی را متوقف یا مختل می‌کند، در نتیجه می‌تواند باورها و نظام‌های فکری افراد را تحت شعاع قرار داده و به این سبب تغییر عادت بد را برای انسان آسان‌تر کرده، موجب فعال شدن تفکر خلاق شود، از میزان استرس کم کند، درد مزمن را کاهش دهد و ... (نولن، ۱۳۹۰: ۴۳۱).

گرچه تأکید علم بر کنترل و عدم مشغولیت به دنیای مادی کاملاً منطبق با نظریه ملاصدرا نیست زیرا هنوز هم این عدم اتصال را برای آرامش مادی انسان خواهان هستند اما تا حدودی معنای عدم فراغت از حس را برای انسان معلوم می‌کند و آن را از معنایی دور از ذهن و مختص به فلسفه و عرفان دور می‌کند.

بر اساس این مبنا ما می‌توانیم با تقویت خودکنترلی درباره احساسات مادی و درگیری‌های مادی حتی بر نوع خواب‌های خود نیز تأثیر بگذاریم و خود را از خواب‌هایی که حاصل آشفته‌گی‌های بدنی و روحی هستند، دور کنیم.

نگاه فلسفی ملاصدرا بر اختیار را هم می‌توان از نظریات وی درباره خواب استخراج کرد. این که ملاصدرا چنانچه اشاره شد اعتقاد دارد حتی در سطوح بالای خواب دیدن، هیچ چیزی خارج از اهداف انسان بر انسان منکشف نمی‌شود. در واقع به تأثیر اختیار در همه ابعاد حرکت جوهری زندگی وی اشاره دارد؛ زیرا باطن و درون و انتخاب‌های وی به‌طور غیرمستقیم بر فعالیت خواب دیدن او نیز تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین انتخاب‌های وی در سبک زندگی و نوع تفکرات به‌مثابه محرکی جدا از جبر محیط و ژنتیک بر سیستم خواب وی نیز تأثیر می‌گذارد. بر همین اساس خودآگاهی که بخش مهمی از نگاه فلسفی او را تشکیل می‌دهد حتی توسط خوابیدن نیز به انسان القا می‌شود. انسان‌ها در عصر امروز چنان سرگرم هستند که کمتر به خودشناسی و خود گرایی توجه می‌کنند در حالی که خواب‌ها و مدل‌های خواب دیدن و تفاسیر متنوعی که می‌توان از مسئله خواب داشت تا حدود زیادی باطن انسان را برای وی ظاهر می‌کند. خواب‌های آشفته زنگ خطری برای انسان است که وی را نسبت به نقص‌های خودآگاه می‌کند و با تأمل در بسیاری از خواب‌های صادقانه نیازمند به تفسیر و بی‌نیاز به تفسیر می‌توان اهدافی که انسان حقیقتاً در درون خود آن را پیگیری می‌کند و به هر دلیلی نسبت به آن ناآگاه است را برای وی معلوم کند.

سخنان ملاصدرا درباره خواب به نیروهایی اشاره دارد که ممکن است در دسترس ضمیر خودآگاه نباشد. خواب منبع مناسبی برای تحقیق درباره باطن و حقیقت وجود هر کس است و به همین مناسبت تحقیق و بررسی منشأ خواب در دو بعد جسمانی و روحانی کمک بزرگی به تصحیح یا تقویت روش زندگی افراد می‌کند.

علم نیز بر این نکته تأکید می‌کند که نباید خواب‌ها را یک کیفیت اتفاقی و بدون معنی و نامربوط دانست و هر خوابی به‌منزله معمایی است که باید آن را حل کرد و به‌این ترتیب هر کس می‌تواند بر نواقص شخصیتی خود و نقاط ضعف خودآگاه شود؛ پس انسان می‌تواند از طریق شناخت خواب به خودآگاهی دست پیدا کند (کاپریز، ۱۳۶۳: ۷۶).

بنابراین محتوای رؤیاها معنای روان‌شناختی دارد، مثلاً روان‌شناسان ادعا می‌کنند که بین رؤیاها، افکار و رفتار فرد به هنگام بیداری نوعی مطابقت وجود دارد (2009: 211). (Nolen-Hoeksema,

گرچه علم معتقد است که کنترل محتوای رؤیاهای بسیار دشوار و حتی غیرممکن است، اما خاطر نشان می‌کند که برای کنترل رؤیا باید محیط را تغییر داد یا مسئله‌ای را در بیداری به شخص تلقین کرد. گرچه روان‌شناسان ثابت کردند که تغییر در سبک زندگی بر خواب دیدن تأثیر می‌گذارد؛ مثلاً به افراد عینک قرمزی را می‌دهند تا در طول روز به چشم بزنند، این محققان بعد از خوابیدن آزمودنی‌ها از خواب‌هایی که دیدند سؤال کردند و اکثر آن‌ها اظهار داشتند که رؤیاهایشان سایه‌ای از رنگ قرمز داشته است. (همان) شاید به این دلیل است که ملاصدرا نوع رؤیاهای صادقه را نیز نشأت گرفته از اهداف و ویژگی‌های خواب بیننده می‌داند و نه تنها خواب‌ها از یک سو گزارشی از فرد و ویژگی‌هایی او در اختیار انسان می‌گذارد، بلکه از سویی دیگر می‌توان با تغییر سبک زندگی، خواب‌هایی منتخبانه را مشاهده کرد.

۷. نتیجه

در انتها می‌توان تأکید کرد که بنا بر آنچه گفته شد نگاه انسان به مسئله خواب و رؤیا می‌تواند در زندگی روحی و روانی او تأثیر زیادی داشته باشد. بر اساس نظر ملاصدرا مراقبت از جسم می‌تواند مانع از خواب‌های آشفته و ظاهراً بی‌معنا شود و در نتیجه معلوم می‌شود خواب‌های آشفته ناشی از بیماری‌های بدنی است. وی به‌مثابه یک روان‌شناس برخی از خواب‌ها را نتیجه سوگیری و جهت‌گیری افکار انسان می‌داند و به این جهت انتخاب شیوه زندگی در بیداری تأثیر مستقیمی بر خواب‌های انسان دارد... انتخاب رویکرد معنوی و عدم سرگرم شدن به دنیای مادی، باطن انسان را مستعد دریافت خواب‌های فارغ از تفسیر می‌کند؛ خواب‌هایی که خارج از زمان و مکان مادی است و باعث ایجاد تحولات عظیم در هستی انسان می‌شود.

پی‌نوشت

۱. بقره آیه ۲۵۵

منابع

- استوارت، گیل باربارا (۱۳۹۲)، *اختلالات خواب*، ترجمه علی اکرامی و دیگران، چاپ اول، مشهد: مرنديز. اعوانی، شهین (۱۳۸۳)، *صدرالدین شیرازی و مساله نفس و معاد مجموعه مقالات صدرالدین شیرازی*، چاپ اول، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- اوزوالد، یان (۱۳۶۳)، *خواب ترجمه محمدرضا باطنی*، چاپ اول، تهران: هاشمی.
- جنت اس، گولد (۱۳۹۱)، *تعبیر روان‌شناسانه‌ای خواب*، چاپ اول، تهران: پیک بهار.

رضوان طلب، محمدرضا (۱۳۷۹)، *رؤیا از نظر دین و روان‌شناسی*، چاپ دوم، قم: شفق.
روخلین، لئون لازاریویچ (۱۳۶۸)، *خواب مصنوعی، رؤیا و خواب از نظر پاولوف*، ترجمه ولی‌الله آصفی، چاپ اول، تهران: گوتنبرگ.

سامی، کاظم (۱۳۶۲)، *بررسی نظرات مختلف درباره خواب دیدن*، چاپ دوم، تهران: رز.
شایسته، ریحانه، هوش معنوی، *مؤلفه‌ها و مبانی آن در حکمت متعالیه*، پژوهش‌های فلسفی کلامی، ۷۱، بهار ۹۶ دوره ۱۹، قم.

صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۶)، *تفسیر القرآن الکریم*، جلد چهارم، چاپ دوم، قم: بیدار.
_____ (۱۹۸۱)، *الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة*، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

_____ (۱۴۱۷)، *الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة*، جلد اول و دوم، چاپ اول، بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.

_____ (۱۴۲۰)، *العرشیه*، چاپ اول، بیروت: موسسه تاریخ العربی.
_____ (۱۳۵۴)، *المبدا و المعاد*، چاپ اول، تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.

_____ (۱۳۷۸)، *المظاهر الالهیة فی اسرار العلوم الکمالیة*، چاپ اول، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

_____ (۱۳۶۳)، *مفاتیح الغیب*، چاپ اول، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

فروید، زیگموند (بی‌تا)، *تعبیر خواب و بیماری‌های روانی*، ترجمه ایرج پور باقر، چاپ دوم، تهران: آسیا.
کاپریز، فرانک (۱۳۶۳)، *روان‌کاوی عمومی*، ترجمه مشفق همدانی، چاپ دوم، تهران: سیفی علیشاه.
مصلح، جواد (۱۳۵۶)، *علم النفس*، جلد سوم، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.

معنوی، عزالدین؛ فدایی، فرید (۱۳۶۷)، *خواب و رؤیا از دیدگاه پزشکی*، تهران: دانشگاه تهران.
نولن، سوزان و دیگران (۱۳۹۰)، *زمینه روان‌شناسی اتکینسون و هیلگارد*، جلد اول و دوم، چاپ اول، تهران: ساوالان.

Susan Nolen, Hoeksema and others., (2009), Atkinson & Hilgard's Introduction to Psychology, 15th Edition, Wadsworth, California : Belmont.